

بایدن و غزه؛ رأی دهندگان ناراضی، حامیان مالی راضی

یک نظرسنجی از نیویورک تایمز که به تازگی منتشر شد نشان می‌دهد ۱۳ درصد از کسانی که در سال ۲۰۲۰ به جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا رأی داده بودند، اما نمی‌خواهند این بار به او رأی دهند، اعلام کرده‌اند که مدیریت سیاست خارجی و به‌ویژه موضوع حمله نظامی اسرائیل به غزه عامل این تصمیم آن‌ها بوده است. با این وجود نتایج یک تحقیق مستقل از سوی ریسپانسیبل استیتم کرافت، ثابت می‌کند کارزار انتخاباتی رئیس‌جمهور به نحوی از سیاست‌هایی که در قبال جنگ غزه اتخاذ شده سود می‌برد؛ بزرگترین حامیان مالی از این سیاست راضی هستند. بررسی کمک‌های کمیته‌ی، امور خیریه و اظهارات عمومی نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم از حامیان اصلی مالی رئیس‌جمهور - کسانی که بیش از ۹۰۰,۰۰۰ دلار به صندوق پیروزی بایدن کمک کرده‌اند - دیدگاه متفاوتی نسبت به درگیری اسرائیل و فلسطین ندارند و بیشتر با اسرائیل همدردی می‌کنند. این در تضاد شدید با نگاه ۱۳ درصدی از رأی‌دهندگان بایدن در سال ۲۰۲۰ است که می‌گویند در انتخابات مجدد به رئیس‌جمهور رأی نخواهند داد: گروهی که می‌تواند در ماه نوامبر به نفع دونالد ترامپ تغییر معادلات دهد.

بنابراین، بایدن به احتمال زیاد در مراسم جمع‌آوری کمک‌های مالی با اهداکنندگان اصلی خود، صدای مخالفان جنگ وحشیانه اسرائیل در غزه را نمی‌شنود. به‌عنوان مثال، حیم سبان، میلیاردر معروف که ۲۹۹,۵۹۹ دلار به کارزار بایدن کمک کرده است، همچنان در هیئت‌مدیره مؤسسه «دوستان نیروهای دفاعی اسرائیل - IDF» خدمت می‌کند و یک میلیون دلار به پروژه دموکراسی متحد، بازوی ایکس (AIPAC) که تبلیغات حمایت از نامزدهای طرفدار اسرائیل و تبلیغات منفی علیه نامزدهایی که به اندازه کافی از اسرائیل حمایت نمی‌کنند بر عهده دارد، کمک کرده است. در هفته‌های گذشته، در ایمیلی به بایدن که ظاهراً توسط واسطه‌ای ارسال شده بود، «سبان» تصمیم رئیس‌جمهور برای متوقف کردن یک محموله سلاح به اسرائیل را محکوم کرد و هشدار داد:

«فراموش نکنیم در مقایسه با مسلمانانی که از حماس حمایت می‌کنند، رأی‌دهندگان یهودی بیشتری وجود دارند که برای اسرائیل اهمیت قائل هستند» و اشاره کرد که گذاشتن شرایط بر انتقال تسلیحات آمریکا به اسرائیل معادل با حمایت از حماس است. «سبان» از مدت‌ها پیش اولویت‌های خود را در انتخابات آمریکا در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۴ روشن کرده و گفته است: «من تنها برای یک موضوع اهمیت قائل هستم و مسئله من اسرائیل است.» همسر سبان، چریل سبان نیز که ۲۹۹,۶۰۰ دلار به کارزار بایدن اهدا کرده، ۲/۱۸ میلیون دلار به «دوستان نیروهای دفاعی اسرائیل» در سال ۲۰۲۲ اهدا کرد. وکیل و مفسر سیاسی، جورج کانوی، که ۹۲۹,۶۰۰ دلار به کارزار بایدن کمک کرده است، به طور منظم نظرات طرفدار اسرائیل را در شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) بازنشر می‌کند در حالی که نگرانی کمی برای فلسطینی‌ها نشان می‌دهد و نسبت به سازماندهی پشت اعتراضات دانشگاهی علیه اقدامات اسرائیل ابراز تردید می‌کند.

سایر اهداکنندگان کمتر صریح بودند اما امور خیریه و کمک‌های سیاسی اخیر آن‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه‌های سیاست خارجی آن‌ها به شدت طرفدار اسرائیل است. پیت لویی، پسر میلیاردر استرالیایی-اسرانیلی فرانک لویی، ۲۹۹,۶۰۰ دلار به کارزار بایدن کمک کرد و ارتباط نزدیکی با گروه‌های طرفدار اسرائیل دارد. الی رینهارد، که به عنوان اهداکننده ۱/۸۴ میلیون دلار نامش در لیست حامیان مالی بایدن آمده است نیز در سال ۲۰۲۲ مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ دلار به WINEP و ۵۰,۰۰۰ دلار به دوستان نیروهای دفاعی اسرائیل از طریق بنیاد خود اهدا کرد. در مجموع، ۹ نفر از ۲۵ اهداکننده‌ای که بیش از ۹۰۰,۰۰۰ دلار به کارزار انتخاباتی بایدن کمک کرده‌اند، یا به گروه‌های طرفدار اسرائیل کمک مالی کرده‌اند یا اظهاراتی داشته‌اند که تمایلات شدیداً طرفدار اسرائیل آن‌ها را نشان می‌دهد. سایر اهداکنندگان عمدتاً در مورد جنگ اسرائیل و غزه سکوت کرده‌اند یا مانند استیون اسپیلبرگ، کارگردان مطرح به این درگیری با محکوم کردن همزمان یهودستیزی و دیدگاه‌های ضدمسلمانان پاسخ داده‌اند. روزنامه نیویورک تایمز هشدار داده است که «اشتیاق به تغییر و ناراضیاتی از اقتصاد و جنگ غزه در میان رأی‌دهندگان جوان، سیاه‌پوست و لاتین تبار تهدید به تضعیف ائتلاف می‌کند» اما مهمترین رئیس‌جمهور می‌کند. «اما مهمترین حامیان مالی کمپین بایدن به نظر می‌رسد نگاه بسیار متفاوتی دارند.



یرواند آبراهامیان در گفت‌وگو با «هم‌میهن» تشریح کرد:

شکاف نسلی در مواججه با خاورمیانه

اعتراض‌های ضداسرائیلی دانشجویان با اعتراض‌های ضدجنگ ویتنام متفاوت است



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

یرواند آبراهامیان، استاد مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهری نیویورک (CUNY) یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که از سه دهه پیش با ترجمه کتاب «ایران بین دو انقلاب» در میان دانشگاهیان و علاقه‌مندان به تاریخ در ایران شناخته شد. مباحث او در مورد تاریخ معاصر ایران و زاویه نگاهش به برخی از رویدادهای مهم از جمله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با جنجال‌ها و انتقادهایی نیز همراه بوده است اما این بار موضوعی متفاوت را برای گفت‌وگو با این استاد تاریخ انتخاب کردیم. اعتراض‌های دانشجویان آمریکایی به عملکرد اسرائیل در جنگ غزه و حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل در هفته‌های گذشته به یکی از سوژه‌های اصلی رسانه‌ها بدل شده است. آبراهامیان علاوه بر اینکه در طول دهه‌های

میان مخالفان معترضان و اعتراض‌های متقابل است. نمی‌خواهم زیاد به این موضوع بپردازم که این افراد چه کسانی هستند، اما افرادی که به معترضان حمله می‌کنند، هواداران اسرائیل هستند و معمولاً خشونت توسط دانشجویان هوادار فلسطین آغاز نمی‌شود، بلکه معمولاً از سوی طرف مقابل آغاز می‌شود که بسیاری از آنها هم دانشجو نیستند.

دومین اختلاف اساسی اعتراض‌های جاری با اعتراض‌های اواخر دهه ۱۹۶۰ که از آن غفلت می‌شود، این است که در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۹ فشار برای سرکوب معترضان از سوی ثروتمندان و از سوی هیئت امنای دانشگاه‌ها اعمال نمی‌شد. در این دوره ما شاهد هستیم که فشار به رؤسای دانشگاه‌ها برای مقابله با اعتراض‌ها از گروه‌های فشار مالی، یعنی هیئت‌های امنای اعانه‌دهندگان و تامین‌کنندگان مالی دانشگاه‌ها اعمال می‌شود. این گروه‌ها می‌گویند که اگر با اعتراض‌ها برخورد نشود، حمایت‌های مالی را از دانشگاه قطع می‌کنند. شرایط خیلی متفاوت است. من به یاد نمی‌آورم در سال ۱۹۶۸ کسی از میان حامیان مالی یا هیئت امنای اظهارنظر کرده‌باشد و گفته‌باشد که باید با اعتراض‌ها برخورد کنید، پردیس‌های دانشگاه را از معترضان پاکسازی کنید و از پلیس بخواهند که وارد عمل شود. در آن دوران معمولاً مدیریت دانشگاه‌ها یا استادان راست‌گرا در میان هیئت علمی دانشگاه خودشان چنین تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کردند.

در شرایط کنونی دانشگاه‌ها به شدت تحت سیطره گروه‌های فشار مالی و حامیان مالی هستند و عملاً برای تامین منافع حامیان مالی اقدام می‌کنند. در پردیس‌های دانشگاهی که حامیان مالی بر تصمیم‌های مدیریت دانشگاه‌ها مسلط هستند، شاهد هستیم که درخواست وارد شدن پلیس و استفاده از زور اتفاق افتاده است. در برخی از دانشگاه‌ها، از جمله هفته گذشته در دانشگاه هاروارد، شاهد بودیم که مسئله کاملاً مسالمت‌آمیز حل‌وفصل شد و از پلیس برای مقابله با معترضان دعوت نشد. در این دوره و زمانه وقتی از پلیس برای ورود به دانشگاه دعوت می‌شود، معمولاً بر خلاف میل هیئت علمی و استادان دانشگاه است. وقتی مدیریت دانشگاه اقدامی بر خلاف میل هیئت علمی انجام می‌دهد، شاهد بروز رویارویی میان استادان دانشگاه و مدیریت و هیئت امنای هستیم. همین مسئله باعث شکاف شدیدی است که ما امروز در دانشگاه‌ها با آن مواجه شده‌ایم. این شکاف یک رویداد جدید است و در گذشته چنین شکافی وجود نداشت.

«چرا حامیان مالی چنین فشاری وارد می‌کنند؟ آیا این فشارها نتیجه عملکرد لابی اسرائیل است یا مسئله دیگری در میان است؟»

این مسئله نتیجه یک فرآیند طولانی مدت و جاری است. در این رویداد خاص، منافع لابی یهودی و به‌طور خاص کمیته آمریکایی امور اسرائیل (AIPAC American Israel Public Affairs Committee) مورد توجه است. اما در کل شرایط کنونی دانشگاه‌ها و نفوذ گروه‌های فشار مالی نتیجه یک پروژه بلندمدت‌تر است. در طول ۲۰ سال گذشته شاهد بودیم که تحصیلات عالی گران‌تر از همیشه شده است و دانشگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری به پول وابسته شده‌اند. به همین دلیل هیئت امنای دانشگاه‌ها از هر زمان دیگری قدرتمندتر شده‌اند. در گذشته هم رؤسای دانشگاه‌ها به توصیه‌های هیئت امنای گوش می‌دادند، چراکه توسط هیئت امنای آنها را منصوب می‌کرد. اما رئیس دانشگاه از میان هیئت علمی دانشگاه انتخاب می‌شد، یعنی استادها در فرآیند ارتقا در هیئت علمی دانشگاه ارتقا رتبه پیدا می‌کردند و به درجات بالاتر می‌رسیدند و از آنجا به‌عنوان رئیس دانشگاه انتخاب می‌شدند. اما امروزه بیشتر و بیشتر شاهد این هستیم که افرادی به‌عنوان رئیس دانشگاه انتخاب می‌شوند که از هیئت علمی آن دانشگاه نیستند. برای مثال مینوش شفیق، رئیس دانشگاه کلمبیا، از مدیریت کسب‌وکار به دانشگاه آمده است. سابقه مدیریتی او در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده است. در طول سالیان متصادی کار او این بود که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای فقیر بگوید برنامه‌های ریاضت اقتصادی در پیش بگیرند و بودجه آموزش و پرورش، سلامت و مسائل اساسی دیگر را کاهش دهند. او حالا رئیس دانشگاه کلمبیا است، در حالی که هیچ تجربه دانشگاهی ندارد و با فرهنگ دانشگاه آشنا نیست. او اساساً خادم گروه‌های فشار مالی است. همین مسئله باعث ایجاد شکاف ذاتی میان ریاست دانشگاه کلمبیا و هیئت علمی دانشگاه می‌شود.

«در ساختار دانشگاه‌های آمریکا همواره مسئله پول تعیین‌کننده بوده است، اما چرا به صورت خاص در مورد اعتراض‌های اخیر این اتفاق افتاده است و حتی شاهد هستیم که خشونت‌هایی هم در سطح دانشگاه‌ها رخ می‌دهد؟»

در این اعتراض‌ها به‌طور خاص ما شاهد هستیم که تقریباً در همه موارد خشونت‌ها توسط مخالفان معترضان و اعتراض‌های متقابل آغاز شده است. انگیزه این خشونت‌ها این است که هرج و مرج ایجاد شود و دعوت کردن از پلیس برای ورود به دانشگاه توجیه شود و جلوی هرگونه گفت‌وگو و بحثی گرفته‌شود. همانگونه که گفتیم معترضان بسیار محتاط هستند که مسالمت‌آمیز رفتار کنند. به همین دلیل است که تاکید کردم تفاوت اساسی میان این اعتراض‌ها و اعتراض‌های سال ۱۹۶۸ وجود دارد.